

The Educational Strategy of the Quran

Asadollah Tosi¹ 

1. Assistant Professor, Department of Philosophy of Education, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran
(Corresponding Author).

as.tosi@yahoo.com

Received: 2023/11/09; Accepted: 2024/12/08

Extended Abstract

Education is a dominant aspect of human personality formation. The efforts of educators, particularly parents, aim to fulfill this fundamental truth. The upbringing of children, which represents the lifelong investment of parents, can, as Imam Sadiq (PBUH) states, serve as a valuable asset in this world and a precious reserve for the hereafter (Kulaini, 1407, vol. 8, p. 150). This is achievable only through proper planning and a correct approach. All educational schools of thought, including Islamic education, focus on this issue, making significant efforts in both theoretical and practical domains of education. Key actions include accurately explaining foundational principles, establishing proper frameworks, setting appropriate goals, defining principles and rules governing the educational process, and adopting correct methods and techniques. However, most importantly, educators continually strive to develop a comprehensive and long-term strategy to guide theoretical and practical activities toward achieving the ultimate goal of education. This strategy prevents deviation, minimizes resource wastage, and reduces costs. Such a program is referred to as an "educational strategy."

This raises the question: What strategy has been proposed and implemented in the Islamic educational system in general and the Quran specifically for this purpose? This study aims to uncover the educational strategy emphasized in the Islamic educational system, particularly in the Quran.

Using thematic interpretation methods, the research employs an exploratory study of religious texts, especially the Quranic verses. To enhance understanding, the study also utilizes the Ahl al-Bayt traditions and esteemed Quranic commentators' insights. Specific actions include examining Quranic verses, interpreting their lexicons using general and Quranic lexicons, consulting exegetical opinions, and considering the cultural context of the Quranic verses. Descriptive and exploratory studies of religious texts, thematic interpretation, and data analysis form the methodological framework for uncovering the Quran's educational strategy in this study.

The findings reveal that the educational strategy of the Quran focuses on fostering and strengthening love for Allah on the one hand and instilling awe and fear of His wrath and displeasure on the other. This dual approach is achieved through cultivating deep and accurate knowledge of Allah and the noble religious values. Undoubtedly, the Quran's process of increasing knowledge in learners is accompanied by creating the right motivation within them. The outcome of this educational process is the development of individuals who love Allah while fearing His displeasure. Such





Research Institute of
Hawzah and University

Islamic Education

Journal homepage: <https://islamicedu.rihu.ac.ir/>



Original Article

individuals, known as believers and pious individuals in Quranic culture, remain steadfast on the right path and are protected from deviation.

This educational strategy, derived from the holy Quran, provides a reliable roadmap for educational policy-making, helps identify appropriate educational methods, and addresses some educational challenges contemporary societies face.

Keywords: Quran, Educational Strategy, Faith, Piety, Knowledge, Love, Fear.

Cite this article: Asadollah Tosi. (2024), "The Educational Strategy of the Quran", *Islamic Education*, 19(50), 1-16.



راهبرد تربیتی قرآن

اسدالله طوسی^۱

۱. استادیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران (نویسنده مسئول).

as.tosi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۸

چکیده گسترده

تربیت وجه غالب در شناسه شخصیتی انسان است. تلاش تربیتی مربیان، به‌ویژه والدین نیز به هدف تحقق این حقیقت است. البته، تربیت فرزند، که حاصل عمر والدین بوده و به بیان حضرت امام صادق (علیه السلام) می‌تواند سرمایه‌ای قابل توجه در دنیا و ذخیره‌ای ارزشمند در آخرت برای والدین باشند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۵۰)، صرفاً با برنامه‌ریزی درست و با رویه‌ای صحیح قابل تحقق است. همه تلاش مکاتب تربیتی و متولیان تربیت، از جمله تعلیم و تربیت اسلامی، بر این مسئله متمرکز بوده و هست و برای این منظور اقدامات زیادی هم در بخش فعالیت‌های علمی و نظری و هم در بخش فعالیت‌ها و اقدامات در فرایند عمل تربیتی صورت می‌گیرد. تبیین صحیح مبانی، ابتنای درست روبناها بر آن، هدف‌گذاری درست، تعیین اصول و قواعد حاکم بر فرایند تربیت، اتخاذ روش‌ها و شیوه‌ها و فنون صحیح و... نمونه‌ای از مهمترین اقدامات نظری و عملی است. اما، علاوه بر این و مهمتر از همه، متولیان امر تعلیم و تربیت همیشه در صدد کشف برنامه‌ای منسجم و درازمدت هستند تا همه فعالیت‌های نظری و عملی تربیتی را در جهت تحقق هدف اعلائی تربیتی راهبری و هدایت نماید و مانع انحراف از مسیر و هدر رفت سرمایه‌های مادی و معنوی و بالابردن هزینه‌ها شود. از این برنامه تحت نام «راهبرد» یاد می‌شود.

حال سؤال این است که، در نظام تعلیم و تربیت اسلامی به معنای عام و در قرآن به معنای خاص، چه راهبردی برای این منظور مدنظر بوده و به آن عمل شده است؟ هدف این نوشتار کشف راهبرد تربیتی است که در فرایند تربیت در نظام تربیتی اسلام، و به‌ویژه در قرآن مورد توجه بوده است. روش ما برای حل این مسئله پژوهشی مطالعه اکتشافی در متون دینی و به‌ویژه مهمترین متن دینی، یعنی آیات شریفه قرآن، و روش تفسیر موضوعی می‌باشد. البته برای فهم بهتر مسئله و حل درست آن از روایات اهل بیت و نیز نظر مفسران گرانقدر قرآن نیز استفاده شده است. مطالعه آیات شریفه قرآن، فهم مفردات آن با استفاده از منابع و معاجم عمومی و قرآنی و نیز بهره‌گیری از نظر مفسران، و بالاخره توجه به فرهنگ حاکم بر آیات شریفه قرآن، اقداماتی در جهت حل مسئله و یافتن پاسخ به سؤال پژوهشی در این نوشتار است. به‌طور مشخص، مطالعه توصیفی و اکتشافی منابع و متون دینی و تفسیر موضوعی و تحلیل داده‌ها، روش حل مسئله و کشف راهبرد تربیتی قرآن در این نوشتار است.

این تحقیق نشان داد، راهبرد قرآن کریم در تربیت نفوس، ایجاد و تقویت محبت و عشق به خداوند از سویی، و نیز ایجاد و تقویت هیبت و ترس از خداوند و خشم و غضب او از سویی دیگر، در متریان می‌باشد. البته این فرایند از طریق ایجاد و تقویت شناخت و معرفت درست و عمیق نسبت به خداوند و ارزش‌های والای دینی صورت می‌گیرد. بی‌شک فرایند معرفت‌افزایی قرآن کریم در متریان، توأم با ایجاد انگیزه صحیح در ایشان، می‌باشد. حاصل فرایند تربیتی معرفت‌افزایی با انگیزه صحیح در متریان، انسان‌هایی محب و عاشق خداوند و همچنین خائف و ترسان از خشم و غضب الهی خواهد بود. چنین انسانی در فرهنگ قرآن به انسان مؤمن و متقی معروف و شناخته شده است. توجه به این راهبرد تربیتی، در طی مسیر زندگی، انسان‌های متقی و مؤمنی است که همیشه در مسیر صحیح و طریق مستقیم حق بوده و از هر انحرافی مصون خواهند بود. تربیت انسان‌های والا در مکتب تربیتی اسلام محصول توجه و عمل به این راهبرد تربیتی قرآنی بوده است.





Research Institute of
Hawzah and University

تربیت اسلامی

Journal homepage: <https://islamicedu.rihu.ac.ir/>



نوع مقاله: پژوهشی

این الگوی راهبردی برگرفته از قرآن کریم، اولاً، نقشه راه مناسبی برای متولیان تعلیم و تربیت بوده، ثانیاً، مسیری مطمئن برای سیاست‌گذاری تربیتی و راهی بهتر برای تشخیص روش‌های درست تربیتی می‌باشد. و ثالثاً، حلال بخشی از مسائل و معضلات تربیتی در جوامع امروزی خواهد بود. انشاء الله.

واژگان کلیدی: قرآن، راهبرد تربیتی، ایمان، تقوی، معرفت، محبت، خوف.

استناد: اسدالله طوسی (۱۴۰۳)، «راهبرد تربیتی قرآن»، مجله تربیت اسلامی، ۱۹(۵۰)، ص ۱-۱۶.

۱. مقدمه

تربیت وجه غالب در شناسه شخصیتی هر انسانی بوده و ثمره تلاش‌های همه مریبان، به‌ویژه والدین، تربیت فرزندان و متریبان به هدف تحقق این حقیقت در ایشان است. تربیت فرزندان، که حاصل عمر والدین بوده و به بیان حضرت امام صادق (علیه السلام) می‌توانند سرمایه‌ای قابل توجه در دنیا و ذخیره‌ای ارزشمند در آخرت برای والدین باشند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۵۰)، تنها در صورتی ثمربخش است که با برنامه‌ریزی درست و با رویه‌ای صحیح انجام گیرد. همه تلاش مکاتب تربیتی و متولیان تربیت، از جمله تعلیم و تربیت اسلامی، بر این مسئله متمرکز بوده و هست و برای این منظور اقدامات زیادی هم در بخش فعالیت‌های علمی و نظری و هم در بخش فعالیت‌ها و اقدامات مربوط به فرایند عمل تربیتی صورت می‌گیرد. تبیین صحیح مبانی، ابتدای درست رونها بر آن، هدف‌گذاری درست، تعیین اصول و قواعد حاکم بر فرایند تربیت، اتخاذ روش‌ها و شیوه‌ها و فنون صحیح و... نمونه‌ای از مهمترین این اقدامات نظری و عملی است. اما، علاوه بر این و مهمتر از همه، متولیان امر تعلیم و تربیت همیشه در صدد کشف برنامه‌ای منسجم و درازمدت هستند تا همه فعالیت‌های نظری و عملی تربیتی را در جهت تحقق هدف اعلای تربیتی راهبری و هدایت نماید و مانع انحراف از مسیر و هدررفت سرمایه‌های مادی و معنوی و بالابردن هزینه‌ها شود. از این برنامه تحت نام «راهبرد» یاد می‌شود. حال سؤال این است که، در نظام تعلیم و تربیت اسلامی به معنای عام و در قرآن به معنای خاص، چه راهبردی برای این منظور مد نظر بوده و به آن عمل شده است؟ این نوشتار درصدد کشف راهبردی در فرایند تربیت در نظام تربیتی اسلام، از طریق مطالعه‌ای اکتشافی در مهمترین متن دینی، یعنی آیات شریفه قرآن، می‌باشد. کشف این الگوی راهبردی مسیری مطمئن برای سیاست‌گذاری تربیتی و راهی بهتر برای تشخیص روش‌های درست تربیتی می‌باشد. حدس ما امکان کشف چنین راهبردی است، که در صورت عمل بر مبنای آن می‌تواند اولاً، نقشه راه مناسبی برای متولیان تعلیم و تربیت، و ثانیاً، حلال بخشی از مسائل و معضلات تربیتی در جوامع امروزی باشد. بررسی این مسأله مبتنی بر تعریف و تحلیل دقیق چند مفهوم کلیدی است. بر این اساس، ابتدا مفاهیم مهم دخیل در حل مسئله تبیین و تحلیل شده و سپس بر اساس آن به راهبرد تربیتی قرآن اشاره خواهد شد.

۲. معناسازی و تحلیل مفاهیم

۲-۱. تربیت

«تربیت» را به اقدام در جهت اصلاح متربی و رشد و نمو (ابن فارس، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۸۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۹۹)، نیز فرایندی تدریجی و زمینه‌ساز برای ایجاد تغییر و تحول در انسان و الهی و موحد بار آوردن او (باقری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۰۲)، فرایندی برای شناساندن ارزش‌های والای انسانی به انسان در جهت به‌کارگیری آن (اعرافی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۲) و بالاخره، جریانی تعاملی و زمینه‌ساز برای تکوین و تعالی هویت افراد (نقیب‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۹) معنا کرده‌اند. در فرایند تربیت تلاش بر این است تا یادگیری، که عبارت از ایجاد تغییری نسبتاً پایدار در رفتار (سیف، ۱۳۹۱، ص ۸۰) است به صورت هدفمند صورت گیرد. به بیانی ساده‌تر تربیت عبارت است از فرایندی زمینه‌ساز برای ایجاد تحول تدریجی و شکوفایی استعدادهای نهفته در انسان در همه ابعاد، در جهت تحقق رشد و کمالی که شایسته اوست.

۲-۲. راهبرد

«راهبرد» یا «استراتژی»^۱ به معنای تعیین اهداف حیاتی و طرح برنامه‌ای منسجم، جامع‌نگر و یکپارچه برای رسیدن به آن اهداف، و یا طرحی درازمدت برای نیل به یک هدف بلندمدت مشخص است. راهبرد در حقیقت روشی است برای نزدیک شدن به هدف. مثلاً آیه شریفه: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۳۹)، بیانگر راهبرد اسلام برای زندگی انسان در ابعاد فردی و اجتماعی است، که اگر به درستی به آن توجه شده و بر اساس آن عمل شود، هیچ فرهنگ و تمدنی را یارای مقابله و رقابت با آن نیست (غفاریان، ۱۳۸۰، ص ۴۷).

۳-۲. معرفت

معرفت به معنای شناخت و آگاهی است. اینکه انسان، از طریق تفکر و اندیشیدن درباره چیزی، به درک درستی از آن دست یابد. مثلاً معرفت داشتن نسبت به خداوند، معرفت نسبت به خداوند داشتن، به معنای درکی است که از طرق مختلف درباره خداوند و آیات و نعمت‌های الهی، برای انسان حاصل می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ه، ص ۵۶۰). طبیعتاً هرچه مطالعه و اندیشیدن فراوان‌تر و همراه با عمق بیشتری باشد، معرفت حاصل از آن نیز عمیق‌تر و تأثیرگذارتر خواهد بود. به بیان علامه طباطبایی رحمته، غرض اعلای از خلقت، رحمت خاص الهی و سعادت خاص است که تنها بوسیله عبادت و فقط از راه معرفت به دست می‌آید (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰، ص ۵). اهل بیت علیهم‌السلام برترین شناخت‌ها و ضروری‌ترین واجبات را معرفت نسبت به پروردگار و اقرار به عبودیت او دانسته، اساساً صحت عبادت بندگان را مشروط به معرفت به خداوند می‌دانند، (کلینی، ۱۴۰۷ه، ج ۱، ص ۱۸۰ و ج ۲، ص ۱۳۰؛ و الفقه المنسوب الی الامام الرضا، ۱۴۰۶ه، ص ۱۰۰) ⁱⁱ در مواردی، معرفت خداوند را حد نصاب ایمان دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ه، ج ۱، ص ۱۸۰) ⁱⁱⁱ از انبوه روایات در این باب تنها به این بیان حضرت امام صادق در عظمت و ارزشمندی معرفت به خداوند و برکات فوق‌العاده‌اش اشاره می‌کنیم:

«اگر مردم درباره حقیقت ارزشمندی معرفت به خداوند آگاه بودند، هیچگاه به آنچه خداوند از نعمت‌های الهی و زینت و زیور خیره‌کننده دنیا، که به دشمنان داده، چشم نمی‌دوختند. بی‌شک دنیای اهل دنیا در نگاه عارفان به خداوند بسیار حقیرتر از آن است که ارزش پای نهادن و راه رفتن روی آن را داشته باشد. لذت‌های فوق‌العاده معرفت بالله برای عارفان برابر با لذت چشندگان لذائذ در باغ‌های مصفاى بهشت در کنار دوستان خداست. معرفت انسان به خداوند برای وی مونسى هنگام مواجهه با هر ترس و وحشتی و رفیق و همراهی وقت تنهایی و بی‌کسی، و چراغی فروزنده در تاریکی‌ها، و قوت و قدرت هنگام ضعف‌ها و ناتوانی‌هاست، و بالاخره، معرفت انسان به خداوند درمانی شفابخش هنگام گرفتاری به هر نوع بیماری است. [سپس فرمودند:] پیش از شما مؤمنانی بودند که در اثر استقامت بر اعتقاد و ایمان به خداوند کشته شده و در آتش سوزانده و با اره تکه تکه می‌شدند! وضع ایشان به‌گونه‌ای سخت و دردناک بود که زمین با همه وسعت و فراخی‌اش بر ایشان تنگ می‌شد، اما سختی‌ها و مشقات هیچگاه ایشان را از راهی که در آن بودند باز نمی‌داشت. و [به فرموده خداوند] «دشمنی و عناد دشمنان با مؤمنان، جز ایمان به خداوند عزیز حمید نبود» (بروج، ۸). هیچ نقطه ضعفی و تقصیری از مؤمنین سراغ نداشتند، جز اینکه به خدا ایمان آورده بودند (بروج، ۸). پس شما نیز درجات آن مؤمنان راست‌قامت را از خداوند طلب کنید و در برابر سختی‌های روزگار بردبار باشید تا به مرتبه سعی و مجاهده ایشان باریابید!» (کلینی، ۱۴۰۷ه، ج ۸، ص ۲۴۷؛ شعیری، بی‌تا، ص ۵۰) ^{iv}.

براساس این بیان حکیمانه، سر تأکید بر لزوم کسب معرفت به خداوند و اسماء و صفات الهی و اولیای الهی، برکات فوق‌العاده آن است.

۴-۲. محبت

محبت به معنای دوست داشتن شدید محبوب و میل و کشش قلبی به اوست. البته منشأ شکل‌گیری این میل قلبی در انسان، یا لذتی است که از محبوب می‌برد و یا سود و منفعتی است که از قیل محبوب به او می‌رسد و یا اساساً وجود فضیلتی در محبوب منشأ این میل قلبی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ه، ص ۲۱۴). منشأ محبت و عشق بندگان خدا نسبت به خداوند نیز چنین است. زیرا بنده با معرفت، هم منشأ تمام سود و منافع واقعی‌اش را خداوند می‌یابد، هم او را واجد همه فضایل و سرچشمه همه خوبی‌ها و کمالات می‌یابد و هم از بندگی نسبت به او لذت می‌برد. در نتیجه به او عشق می‌ورزد. البته به بیان مرحوم علامه مصباح یزدی رحمته، مقصود از محبت به خداوند، محبت به خود اوست نه محبت به نعمت‌ها و آیات و آثار او. زیرا، اولاً، انسان می‌تواند به خداوند محبت بورزد، ثانیاً، اساساً مطرح و ارزشمند بودن محبت به امور دیگر، به جهت آن است که، تابعی از محبت به خداوند و در راستای آن است (مصباح یزدی، ۱۴۰۱، ص ۵۱).

۵-۲. خوف

خوف و ترس، حالتی نفسانی است، که با دیدن یا خیال نشانه امری ناپسند و مذموم در انسان پدید می‌آید. در مقابل، امید و رجاء حالتی نفسانی است که با دیدن و یا خیال نشانه امری پسندیده و مطلوب در انسان پدید می‌آید (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ه، ص ۳۳۰). انسان، همچنان که فطرتاً

خود و بقای خود را دوست دارد، در مقابل، فطرتاً از اموری می‌ترسد و منشأ ترس او نیز همان حب ذات فطری اوست. یعنی از هر چیزی که اصل موجودیت و بقای او را تهدید کند می‌هراسد. زیرا انسان فطرتاً می‌فهمد که او و همه محبوب‌هایش، در معرض زوالند و او نمی‌تواند مانع زوال آنها شود. در نتیجه، ترس از نابودی همه وجودش را فرا می‌گیرد (شاه‌آبادی رحمته، رشحات، ۱۳۸۷، ص ۴۵۰). همچنین، انسان به‌خوبی می‌فهمد لازمه وجود این ترس حقیقی، وجود منشأ آن است که عاملی حقیقی، زنده، آگاه و قادر و در عین حال منشأ همه عوامل دیگر، یعنی خداوند است. پس ترس انسان از خداوند و خشم و غضب او، همانند عشق وی از او، فطری است (همان، ص ۴۴۶). ضجه‌ها، ناله‌ها و فریادهای اولیاء الهی، گواهی صادق بر این ترس واقعی انسان است. ضجه‌های حضرت مولی امیرالمؤمنین علیه السلام حین مناجات با خداوند از مهمترین مصادیق حالات بندگان موحد است: «أَه مِنْ نَارٍ تُنْضِجُ الْأَكْبَادَ وَ الْكُلَى آه مِنْ نَارٍ تَرَاغِبُ لِلشَّوَى آه مِنْ غَمْرَةٍ مِنْ مُلْهَبَاتٍ لَطْفَى...» (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۷۹).^۷ هول و هراس از حوادث قیامت همیشه برای همه بندگان خدا، به ویژه اولیای الهی نگران‌کننده بود. کم نبودند از اولیای الهی مانند حضرت یحیی علیه السلام، امیرالمؤمنین علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام و امام زین العابدین علیه السلام و دیگر شخصیت‌های ممتاز، که دائماً از خوف موافق قیامت و اوضاع ترسناک آن (نازعات، ۱۴-۱۳؛ الحاقه، ۱۶-۱۳؛ ق، ۴۳؛ مدثر، ۹-۸؛ عبس، ۴۲-۳۳؛ القارعه، ۱۱-۱؛ صافات، ۱۹)،^۸ آرام و قرار نداشتند و دائماً با راز و نیاز با خداوند به او پناه می‌بردند. توجه و دقت در آیات قیامت در قرآن کریم، و نیز مرگ، بیماری‌های دردناک و صعب‌العلاج یا لاعلاج، شکست‌های مادی و معنوی، ستم ستمکاران و زورگویان، حیوانات وحشی و ... در زندگی دنیا، برای هر انسان با معرفتی حاصلی جز ترس و وحشت نیست.

۲-۶. امید

هر انسانی فطرتاً به دنبال تکیه‌گاهی است تا او را از این نابودی و زوال، که منشأ ترس در اوست برهانند. به همین جهت به آن تکیه‌گاه واقعی و حتی بعضاً خیالی امیدوار است. این حس امیدواری در سراسر زندگی انسان جریان داشته و باعث دوام حیات اوست. البته انسان خداشناس موحد، برای رهایی از این ترس فطری و هر ترس دیگری باز هم به خداوند پناه می‌برد. زیرا قادرتر از او ملجئ سرخ ندارد. (شاه‌آبادی، ۱۳۸۶، ص ۴۴۶). علاوه بر این، در قرآن آیات امید بخش بسیاری وجود دارد (ضحی، ۵؛ مائده، ۵۴؛ نساء، ۴۰؛ احزاب، ۳۵ و ...). که بندگان خدا را وعده عفو و بخشش و پاداش بی‌شمار داده است. مانند: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر/۵۳). محتوای مناجات‌ها و ناله‌های اولیاء الهی، معجونی است از خوف و رجاء، یعنی ترس در کنار امیدی که به خداوند و غفران و کرم او دارند. پس ارتباط بندگان با خداوند ارتباطی امیدوارانه به همراه خوف از اوست (پس، ۱۱).

۲-۷. ایمان

ایمان به معنای پذیرفتن و گردن نهادن به حق، و دارای سه رکن اعتقاد قلبی، اقرار زبانی و عمل است. البته به هر کدام از این سه نیز ایمان گفته می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲هـ، ص ۹۱). همچنین به معنای اقدامی است که باعث آرامش و اطمینان خاطر و رفع وحشت و اضطراب می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۵۰). علامه طباطبایی ایمان را به معنای جایگیر شدن اعتقاد در قلب می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۶)، و به بیان قرآن «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ»، باعث آرامش و ثبات و اطمینان شده و با اضافه شدن عوامل ایمان، آثارش نیز افزون می‌گردد. همچنین، به شهادت آیات قرآن، ایمان عبارت از علم به اضافه التزام عملی است، نه علم تنها، حتی محصول علم یقینی نیز لزوماً ایمان نیست (محمد، ۲۵-۳۲؛ نمل، ۱۴؛ جاثیه، ۲۳). همچنانکه، عمل تنها هم ایمان نیست، زیرا عمل با نفاق هم قابل جمع است. البته لازمه التزام عملی، ظهور آثار ایمان در عمل است و چون علم و التزام عملی شدت و ضعف پذیرند، ایمان هم شدید و ضعیف خواهد شد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۸، ص ۵۹ و ۱۶۲). جامع همه این معانی این روایت نبوی از زبان مبارک حضرت امام امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرمودند: «ایمان یعنی: تصدیق قلبی و اقرار زبانی و عمل به جوارح» (طوسی، ۱۴۱۴هـ، ص ۲۸۴).

۸-۲. ارتباط علم و معرفت با ایمان

اگر چه علم و معرفت جزء اصلی و رکن ایمان است، ولی تمام ایمان نیست. زیرا ایمان، برخلاف علم و عقیده که ممکن است غیر اختیاری باشد، امری قلبی و اختیاری است که بعضاً حتی با وجود علم یقینی نیز محقق نمی‌شود: «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا» (نمل، ۱۴). همچنین، باعث و انگیزه ایمان آوردن انسان به متعلق‌های ایمان، یا آگاهی و شناخت او نسبت به متعلق‌های ایمان، و یا استكمال و برتری طلبی و فرار از نقص و کاستی است (مصباح یزدی رحمته، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۱۸؛ داودی، ۱۳۸۳، ص ۳۶ و ۱۳۸۴، ص ۵۱). زیرا علم و آگاهی نسبت به خداوند و حقانیت خداوند و اینکه همه چیز در دنیا و آخرت تحت سلطه و سیطره اوست، و یا آگاهی و توجه به این امر که پذیرش حق باعث کمال انسان خواهد شد، باعث و برانگیزاننده انسان به ایمان به خداوند و عامل گرایش او به خداوند است. در هر صورت، آثار و پیامدهای ایمان در عزم و تصمیم و در اعضا و جوارح انسان نمود و بروز دارد و وجود این ایمان در قلب و التزام به آن در عمل، از انسان بنده مؤمنی می‌سازد که تراز انسان مؤمن در فرهنگ قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد. به بیان دیگر برآیند و نتیجه همه این آگاهی‌ها و محبت‌ها و خشیت‌ها و ایمان‌ها است که از انسان شخصیتی مؤمن و باتقوا می‌سازد. اما تقوا چیست و انسان باتقوا کیست و ایمان انسان چه ارتباطی با تقوای او دارد؟

۲-۹. تقوا

تقریباً در همه کتاب‌های لغت تقوا به معنای پرهیزگاری، پارسایی و تحفظ از خطر و برحذر بودن از هر چیز مضری است که باعث ایذاء انسان و هلاکت احتمالی اوست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲هـ، ص ۸۸۰؛ ابن منظور، ج ۱۵، ص ۴۰۲؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۴۸). برخی نیز با دقتی بیشتر تقوا را نه فقط تحفظ، که توجه به حق و سیر در مسیر صراط مستقیم معنا کرده‌اند، که البته منشأ آن عفت نفسانی و متمم آن صیانت و مراقبت از آلودگی به محرّمات و معاصی است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۳، ص ۱۸۳). انسان متقی هنگام اقدام و عمل، ضمن تبعیت از فرامین الهی و پایبندی به اصول مسلم دینی از رفتارهای ناشایست و معاصی می‌پرهیزد. همچنین به حکم مقابله تقوا با فسق و فجور: «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس، ۸) و «أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ» (ص، ۲۸)، انسان متقی به دور از هرگونه فساد و فسق و فجور است. البته تقوا دارای مراتبی است که از نگاه حضرت امام صادق علیه‌السلام، در تفسیر آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا! اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ! وَ لَا تُؤْتُوا الْكُفْرَ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (آل عمران، ۱۰۲)، پروای الهی را داشتن یعنی، خداوند بدون هیچ معصیتی اطاعت شود، ذکر و یاد او در دل‌ها گرفتار هیچ نسیانی نشود، و بالاخره، سپاسگزاری از او با هیچ نوع کفرانی همراه نباشد (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۶۲).^{vii} بر این اساس، انسان متقی در مقابل خداوند در حال خضوع و خشوع دائمی است، حتی اگر فکر کند خداوند وی را از نعمتی محروم ساخته است! این البته تداعی‌کننده معنای اسلام حقیقی و عالی‌ترین مرتبه ایمان و در آیه شریفه به مؤمنان توصیه شده تا به استقبال مرگ نروند جز با حفظ چنین تقوای خالص و ناب (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۳۶۷). آیه‌الله شهید مطهری رحمته، نیز تقوا را فراتر از تحفظ، به معنای حرکت بر مبنای اصول دینی و پرهیز از هر نوع آلودگی به معاصی می‌داند. ایشان این معنای از تقوا را تقوای حقیقی، مثبت یا تقوای قدرت و هر نوع انحراف از این مسیر را بی‌تقوایی و فجور و فسق می‌دانند (مطهری رحمته، ۱۳۶۳، ص ۱۳). از نگاه علامه مصباح یزدی رحمته تقوا یعنی «انسان خوف از خطری داشته و از آن بپرهیزد که متوجه سعادت ابدی اوست و منشأ حقیقی خطر را فقط خداوند بداند». انسان مؤمن اگر برای نجات خود از چنین خطری اقدامی انجام دهد، «متقی» است. یعنی اگر انسان از حیوانی بترسد و اقدامی بکند و یا از خطری که منافع مادی دنیوی‌اش را تهدید می‌کند بپرهیزد و یا منشأ آن در هر صورت غیر خداوند باشد، متقی نیست (مصباح یزدی رحمته، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۷۱).

۲-۱۰. ارتباط تقوا و ایمان

تحقق حقیقت تقوا ارتباطی مستقیم با آگاهی و معرفت انسان دارد. مؤید این حقیقت بیان حضرت امام صادق علیه‌السلام است که تقوا چونان نهر آبی از سرچشمه معرفت به خداوند می‌جوشد (مصباح الشریعه، ۱۴۰۰هـ، ص ۵۹).^{viii} معرفت و ایمان به مبدأ و معاد و نبوت مقوم معنای تقوا است و لازمه تحقق معنای تقوا معرفت و ایمان به خدا و به قیامت و حتی اعتقاد به نبوت است. زیرا آنکه امید به لطف الهی دارد و از کيفرش می‌هراسد درصدد انجام هر کاری است که مطلوب اوست و پرهیز از هر رفتاری است که مغضوب اوست. و برای فهم امور مطلوب و مبعوض خداوند،

در مواردی نیازمند وحی و نبوت است. پس برای تأمین سعادتش به وحی و نبوت نیز ایمان می‌آورد. بر این اساس، انسان متقی یعنی انسان مؤمن به اصول اعتقادی اسلام و عامل بر اساس آن. آنچه در ابتدای قرآن (بقره، ۵-۲)، در توصیف «متقین» بیان شده همین حقیقت است (مصباح یزدی رحمته علیه، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۷۸). اگر ایمان به این امور در شخصی منتفی باشد، اساساً سخن از تقوا در وی بی‌معناست. چنین انسانی از چه بترسد؟ به رعایت چه حریمی ملتزم باشد؟ به کدام اصول و قواعد پایبند باشد؟ او که منکر حیات اخروی است، از این ناحیه چه تهدیدی متوجه اوست تا از آن بیم داشته باشد؟ بر این اساس، تقوا برآیند معرفت صحیح نسبت به خداوند و اسماء و صفات الهی و وجود انگیزه کافی برای ایمان آوردن به متعلق معرفت و نیز عمل بر مبنای آن است. انسان متقی بنده مؤمنی است که عاشق و خائف از خداوند باشد، به‌گونه‌ای که به بیان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، در وصف پارسایان: «عَظَمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ فَهُمْ وَالْجَنَّةُ كَمَنْ قَد رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُنَعَمُونَ وَهُمْ وَالنَّارُ كَمَنْ قَد رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُعَذَّبُونَ»، و نتیجه چنین نگاهی چنان بنده‌ای است که: «لَوْلَا الْأَجَلُ الَّذِي كَتَبَ اللَّهُ لَهُمْ [لَهُمْ] عَلَيْهِمْ لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ شَوْقًا إِلَى النَّوَابِ وَخَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴هـ، ص ۳۰۳).^{ix}

۱۱-۲. راهبرد تربیتی قرآن

با تحلیل معانی مفاهیم قرآنی مذکور (تربیت، معرفت، محبت، خوف، امید، ایمان و تقوا)، می‌توان به یک نوع ارتباط خاصی که از نگاه تربیتی حائز اهمیت مضاعفی است، رسید. نتیجه این فعالیت پژوهشی، یعنی تحلیل و کشف ارتباط یادشده، رسیدن به هدف این نوشتار، یعنی ارائه یک راهبرد تربیتی قرآنی، خواهد بود.

«راهبرد تربیتی قرآن کریم» را در قالب یک عبارت می‌توان چنین بیان کرد: «ایجاد و تقوات محبت و عشق به خداوند و نیز هیبت و ترس از خداوند و خشم و غضب او، در متربیان، از طریق ایجاد و تقوات شناخت درست، هدفمند و همراه با انگیزه صحیح، از خداوند و ارزش‌های والای الهی».

توضیح آنکه: شکوفایی و تقویت بعد شناختی و نیز ایجاد شناخت‌های جدید در متربیان از اهم مأموریت‌های هر نظام تربیتی است و این مسئله مهم از قضا در نظام تربیتی اسلام نیز واجد جایگاه ویژه‌ای است. به همین جهت، در منابع دینی به‌ویژه قرآن، مفاهیمی که به آن اشاره شد دارای جایگاه محوری هستند. اکنون درصدد بررسی و تحلیل ارتباط خاص میان مفاهیم یادشده، در راستای اکتشاف راهبرد تربیتی قرآنی هستیم. در قرآن و سنت و نیز سیره اهل بیت علیهم السلام، در راستای تربیت و هدایت بشر عموماً و به‌ویژه فرزندان، معرفت‌افزایی و توجه دادن ایشان به خداوند و اسماء و صفات و نعمات الهی و نیز اولیاء الهی بسیار مورد اهتمام بوده است. اما آنچه این اقدام خردمندانه و حکیمانه را ممتاز کرده، گونه خاص این آگاهی دادن و معرفت‌افزایی است، که به آن اشاره می‌شود.

۳. شاخصه‌ها و ویژگی‌های راهبرد تربیتی قرآن

۱-۳. ایجاد آگاهی صحیح، عمیق و متناسب با مخاطب

در تعلیم و تربیت اسلامی اهتمام به بعد شناختی در فرایند تربیت صرفاً در توجه به انتقال محتوی، بدون توجه به کم و کیف آن خلاصه نمی‌شود. به‌ویژه به این مسئله اهتمام ویژه‌ای شده است. محتوای قرآن و سنت معارفی است که با مستقیماً وحی است و یا بیان انسان‌های کامل است که جز محتوای وحیانی نیست. این یعنی بهره بردن از زلال وحی که هیچ آلودگی و کدورتی در آن یافت نمی‌شود. همچنین مباحث مطرح‌شده در قرآن متناسب فهم مخاطبان و برای اهل دقت و نظر، قابل فهم‌تر است. مثلاً، در آیه شریفه «أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ» (طور، ۳۵) خداوند با زبانی بسیار ساده و قابل فهم برای همه، تکذیب‌کنندگان را با این سؤال بر سر دوراهی قرار داده است. اینکه، آیا شما بی‌سبب خلق شده‌اید؟ یا خود را خالق خود می‌دانید؟ لازمه خردورزی حذاقلی و اندکی شعور خدادادی حکم به بطلان هر دو وجه و ایمان به حق است. همه معارفی که در حوزه‌های مختلف معارفی و به‌گونه‌های متنوع در متون دینی آمده، به همین صورت با استحکام بالا و البته ساده و خوش‌فهم، هستند.

یا در نمونه‌ای دیگر، در سوره مبارکه مؤمنون خداوند ضمن برشمردن برخی از برترین آیات و نشانه‌های خود، مانند ابزارهای معرفتی

(چشم، گوش و قلب)، آفرینش زمین و همه آنچه در آن است، آفرینش آسمان‌های هفتگانه و عرش عظیم، حرکت شب و روز، آفرینش انسان از زمین و رجوع به عالم آخرت، می‌فرماید: چرا در آن‌ها اندیشه نمی‌کنید؟ چرا رفتاری جاهلانه دارید؟ چرا متذکر نمی‌شوید و چرا از خدا پروا ندارید؟ (مؤمنون، ۸۷-۷۸) آیاتی با این مضامین همه قرآن را پوشش داده است که به چند مورد به عنوان نمونه اشاره می‌شود:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ * الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره/۲۲-۲۱).

در این دو آیه، خداوند خطاب به همه انسان‌ها نتیجه پرستش خالق جهان را تقوا و نتیجه دانایی را توحید دانسته و شرک‌ورزی نسبت به چنین خدایی را نتیجه جهالت و نادانی می‌داند.

«إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكُمُ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ، فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ، وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَ الْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ، وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَ مُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ، وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتٍ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مَرَاكِبًا وَ مِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَ جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرِّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ يُعْنِهِ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (انعام، ۹۹-۹۵).

در این پنج آیه، مجموعه وسیعی از اسماء و صفات خداوند و نیز نعمات مادی و ظاهری که برای هر بیننده‌ای قابل مشاهده است معرفی و در قبال هر کدام توقع و انتظار خداوند از بندگان بیان شده است. به واقع، خداوند انسان‌های خردمند را به مشاهده و تدبر در این آیات الهی فراخوانده و با پرهیز دادن ایشان از شک و تردید، توجه می‌دهد که، تفصیل و بیان آیات الهی تنها برای کسانی که از نعمت علم و دانش و تعقل و تفقه بهره‌ای داشته و نیز به خداوند و اسماء و صفات او ایمان داشته باشند مفید و باعث تذکر و بیداری است.

این مضامین در سراسر قرآن قابل مشاهده است (بقره، ۲۲-۲۱-۲۹-۲۵۵؛ انعام، ۹۹-۹۵، اعراف، ۱۸۹-۱۹۶، ابراهیم، ۳۹؛ اسراء، ۶۶-۹۹؛ طه، ۵۰؛ انبیاء، ۵۶؛ نور، ۲۵؛ فرقان، ۲؛ شوری، ۲۸؛ زخرف، ۸۴؛ انفطار، ۷؛ تغابن، ۲؛ حدید، ۹؛ حشر، ۲-۲۴-۲۲؛ فتح، ۲۸؛ جاثیه، ۱۲). در هر کدام از این آیات، ضمن اقدام به معرفت‌افزایی، در مواردی نیز نهیب می‌زند که چرا با دیدن و شنیدن و فهمیدن این آیات گسترده الهی در عالم متذکر نمی‌شوید (مؤمنون، ۸۷-۷۸؛ یونس، ۳۵-۳۴؛ نمل، ۶۶-۶۰). گویی انتظار خداوند از انسان خردمند و فرزانه، اندیشیدن و تفهیم درست نسبت به خداوند و نعمت‌های الهی و در نتیجه ایمان و پرهیزگاری است.

بر این اساس، ویژگی اول راهبرد تربیتی قرآن این است که، معرفت‌افزایی قرآن، در عین تنوع و گوناگونی، که البته بر اساس نیاز بشر و حکمت الهی است، به گونه‌ای با استحکام بالا و البته سادگی و خوش‌فهمی همراه می‌باشد.

۳-۲. معرفت‌افزایی همراه با جهت‌گیری خاص

ویژگی دیگر راهبرد تربیتی قرآن این است که، معرفت‌افزایی قرآن هدفمند و جهت‌دار است. در نظام‌های تربیتی هر اقدام تربیتی، از جمله آموزش و انتقال محتوی به متریبان هدفمند و دارای توجیه علمی تربیتی است. هیچ محتوایی بدون جهت‌گیری و بی‌هدف آموزش داده نمی‌شود، ضمن اینکه هیچ اقدام تربیتی بی‌هدف و بدون جهت‌گیری صورت نمی‌گیرد. این اصل مهم تربیتی در برنامه‌های تربیتی و اقدامات مربیان در نظام تربیتی اسلام نیز حاکم است. به همین دلیل، در همه مواردی که خداوند درصدد آگاهی دادن به مخاطبان است، متعلق آن معارف فقط خداوند و امور منتسب به او مانند: اسماء و صفات او، آیات و نعمات او، رضا و خشنودی و یا خشم و ناخشنودی او، اولیاء و یا دشمنان او، می‌باشند و لاغیر. به همین قیاس، در بیانات همه انبیاء الهی و به خصوص پیامبر گرامی اسلام ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام، نیز همه معرفت‌افزایی‌ها جهت‌دار است و به‌نوعی به خداوند مربوط است. همه مواردی که در فقرات پیشین مورد بررسی قرار گرفت، به همین صورت بوده است. آگاهی دادن‌ها، نقل قصص، گزارش‌ها از نعمات بهشتی و عذاب‌های جهنم، تاریخ انبیاء و اقوام گذشته، بیان ویژگی‌های افراد، اقوام و گروه‌ها، افلاک و زمین و آسمان و دریاها، ماهیان، چهارپایان، پرندگان و... همه و همه حول محور خداوند و مخلوقات خداوند است. هدف، نه صرف نقل و گزارش، بلکه ازدیاد و تعمیق معرفت انسان درباره خداوند و مخلوقات و دیگر امور مربوط به خداوند است.

۳-۳. معرفت‌افزایی همراه با ایجاد انگیزه

علاوه بر دو مورد گذشته، ویژگی سوم راهبرد تربیتی قرآن ایجاد انگیزه، البته از طریق معرفت‌افزایی خاص و نیز جهت‌دار بودن معارف، است. گرچه علم و معرفت رکن و مقوم ایمان و تقوا است، ولی لازمه هر معرفتی ایمان نیست. یعنی انسان علاوه بر علم‌آموزی نیازمند انگیزه‌ای است تا ایمان را اختیار کند و این انگیزه همیشه ملازم با علم نیست: «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا» (نمل، ۱۴). پس علاوه بر علم و دانایی، امور دیگر لازم است تا انگیزه تحقق ایمان در افراد شود. در تربیت، به‌ویژه تربیت دینی و اعتقادی، این مسئله دارای جایگاه بسیار با اهمیتی است. زیرا آموزش اعتقادات در مراکز آموزشی اگر همراه با ایجاد انگیزه برای تحقق ایمان نباشد، واجد هیچ اثر عملی جز شناخت‌ها و معارف بی‌اثر نبوده و خروجی چنین مراکز آموزشی متریبان مؤمن و متقی نخواهند بود. به همین جهت نظام تربیتی اسلام، به‌ویژه در قرآن برای تأمین این بُعد از تربیت اعتقادی تدابیری اندیشیده شد.

مثلاً، از جمله مهمترین روش‌های تربیتی در قرآن روش‌های تربیتی بشارت و انذار است (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ۴۹۰؛ باقری، ۱۳۸۵، ۱۸۸-۱۶۹). حقیقت انذارها و بشارت‌ها نیز شناخت و آگاهی و البته به‌تبع آن تهییج و تحریک میل و گرایش‌ها در افراد برای سوق به سوی انجام اقدامات مثبت و پرهیز از اقدامات ناشایست است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱۲۵-۲۱۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۰۰). فلسفه استفاده از روش‌های تربیتی بشارت و انذار در قرآن و نیز بیان و سیره اهل بیت (علیهم‌السلام)، معرفت‌افزایی نسبت به خداوند و صفات جمال و جلال الهی است، اما نوع آگاهی‌ها و معرفت‌ها و بیان آن به‌گونه‌ای است که تولید بشارت و مسرت و یا خوف و ترس می‌کند. یعنی این نوع معرفت‌افزایی، با جهت‌گیری مشخص، باعث ایجاد محبت، عشق و دلدادگی انسان نسبت به خداوند و یا هیبت و خوف از او در انسان است. خداوند در آیات تبشیری چنان از لطف و عنایات و نعمات خویش سخن می‌گوید (محمد، ۱۵، واقعه، ۴۰-۱۰، نبأ/۳۶-۲۹) که هر شنونده و خواننده‌ای را به وجد آورده و مشتاق آن می‌کند. در مقابل، چنان از خشم و غضب و عذاب‌های خود در دنیا و آخرت سخن می‌گوید و هیبت و جلال و عظمت خود را جلوه می‌دهد، (ابراهیم، ۱۸-۱۵ و ۵۲-۴۲، واقعه، ۵۷-۴۱، نبأ، ۳۰-۲۰) که باعث خوف و ترسی عجیب در دل مخاطب می‌گردد. همین دو باعث خوف و رجا در انسان شده و او را در طریق مستقیم به سوی خداوند به پیش می‌برد. تنها در این صورت است که ایمان در قلب انسان و عمل در ارکان او محقق می‌شود و این مایه اصلی تقوا در انسان است (بقره، ۲۵-۹۷؛ مائده، ۱۹؛ شعراء، ۲۱۴؛ غافر، ۱۸؛ لیل، ۱۴؛ یونس، ۶۴). وجه افضلیت انذار و تبشیر نسبت به دیگر روش‌های تربیتی قرآنی همین ابتدای آن بر آگاهی و معرفت، با ویژگی گفته شده است. در این سبک تربیتی هیچ اجباری در کار نیست. متربی پس از آگاهی و تنبُّه، خود انتخاب می‌کند. اما کار اصلی مربی صرف آگاهی دادن نیست، بلکه اولاً، این آگاهی‌ها هدفمند و جهت‌دار، ثانیاً، همراه با ایجاد انگیزه است. یعنی آگاهی دادن به شیوه‌ای است که باعث ایجاد میل و گرایش و امید و یا تنفر و انزجار و خوف می‌گردد. تنها در این صورت است که تربیت اثربخش خواهد بود.

نتیجه این معرفت‌افزایی به فرموده امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، پارسایانی اند که: «عَظَمَ الْخَالِقُ فِي أَنفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فَيَ أَعْيَنِهِمْ فَهَمُّ وَ الْجَنَّةُ كَمَنْ قَد رَأَاهَا فَهَمُّ فِيهَا مُنْعَمُونَ وَ هُمْ وَ النَّارُ كَمَنْ قَد رَأَاهَا فَهَمُّ فِيهَا مُعَذَّبُونَ» و این اثرپذیری از معارف ناب کار پرهیزگاران را به جایی می‌رساند که: «لَوْلَا الْأَجَلُ الَّذِي كَتَبَ اللَّهُ لَهُمْ عَلَيْهِمْ لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ طُرْفَةَ عَيْنٍ شَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ وَ خَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، ص ۳۰۳).^x ایشان به‌گونه‌ای از عذاب‌های جهنم آگاه بودند که گرفتار ترسی تا سر حد قالب تهی کردن می‌شدند! و به‌گونه‌ای از نعمات بهشتی مطلع بودند که شوق دیدار آن مجال زندگی را از ایشان می‌گرفت! البته از آنجا که معرفت‌ها و شناخت‌های انسان نسبت به خداوند مقول به تشکیک و ذومراتب است؛ خوف و رجاء‌ها نیز در ایشان یکسان نیست. توصیف عارفان دلدادده خداوند از زبان مبارک حضرت (علیه‌السلام)، خود گواه این حقیقت است. مرتبه بالای از معرفت و عشق به خداوند که ایشان بدان باریافتند دارای چنان آثاری است و مؤید این کریمه قرآنی است: «إِنَّمَا يُحْيِي اللَّهُ مِنَ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ». (فاطر، ۲۸). چنین مؤمنان باتقوای تربیت‌یافته در مکتب تربیتی قرآن، با این درجه از عشق و دلدادگی به خداوند و خوف و ترسی که از او در دل دارند، عاشقان وارسته و مجاهدان جانباخته‌ای اند که، در قبال عشق به حضرت حق، دل به هیچ معشوق دیگر نمی‌بندند و در همه عناصر عالم هستی تنها او را به نظاره می‌نشینند و برای وصال به او سر از پا نشناخته، مجاهدانه در طریق وصالش می‌کوشند.

از سوی دیگر، هیبتی عظیم از حضرت حق بر سویدای جانشان حاکم بوده، از کوچکترین خطا و معصیتی در قبال او خائفند و خود را نمی‌بخشایند و جز از او واهمه‌ای ندارند: «يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» (مائده، ۵۴). اینان به‌راستی مؤمنان راستین با تقوایند که تحت ولایت الهی محکم و استوار و در صراط مستقیم ثابت‌قدمند و در راه اعتلای حق ترسی در دل نداشته، تا پای جان بر آن عهد الهی استوارند.

در مقابل، جاهلان بی‌خبر و غافلان و منکران حقیقت، تصویری از جمال الهی و الطاف او نسبت به خود ندارند تا نهال عشق و محبت در ایشان جوانه زده رشد یابند. مانند کودکی که در اثر فقدان دانش، فهم و تجربه درست از زیبایی و ارزشمندی یک وسیله زیبا و ارزشمند، آن وسیله برای وی جذابیت ندارد. همچنانکه درکی از جلال الهی و قهاریت و قدرقدرتی او ندارند تا از او خائف باشند. مانند کودکی که در اثر فقدان دانش، فهم و تجربه درست از ستمی و مهلک بودن یک مار سمی هیچ‌هراسی از آن ندارد.

شاخصه اصلی و وجه امتیاز تعلیم و تربیت اسلامی و قرآنی همین است و سرّ‌افضلیت و برتری علم خداشناسی و توحید بر دیگر معارف، که در مباحث پیشین بیان شد، همین تأثیر تربیتی است و فلسفه کاربرد روش‌های تربیتی انذار و بشارت در قرآن و بیانات رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام، نیز تشجیع و تحریص افراد به سوی صراط مستقیم در راستای تحقق هدف اعلای تربیت اسلامی و قرآنی، یعنی باریافتن به کمال و قرب الهی است. اگر این بسترهای شناختی و معرفتی مهیا نباشد، انذارها و بشارت‌ها بی‌اثر بوده و یا اساساً محقق نخواهد شد. آگاهی داشتن بندگان خدوند از الطاف الهی نسبت به ایشان و یادآوری نعمت‌هایی که خداوند به آنها ارزانی داشته است، باعث برافروخته شدن شعله‌های محبت و عشق نسبت به خداوند در بندگان خواهد شد. این حقیقت، در ضمن مأموریتی الهی به نبی خدا حضرت موسی ﷺ به‌وضوح بیان شده است. این پیامبر عظیم‌الشأن الهی از سوی خداوند مأمور شدند تا با یادآوری نعمت‌های الهی برای بندگان، عشق و محبت نسبت به خداوند و نیز خوف و ترس از او را در خانه دلشان بنشانند: «ادْكُرْ لَهُمْ نِعْمَاتِي عَلَيْهِمْ»، (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۴۸۴).^{xi} زیرا در این صورت و با این آگاهی‌ها درباره خداوند و نعمت‌های الهی، خوف و رجا در انسان محقق می‌شود. از قضا انسان باتقوا، به همین دو صفت خوف و رجا و بیم و امید معروف و متصف است. با تحقق محبت و عشق و دل‌باختگی به خداوند، امیدوار به بخشش و الطاف او شده، دائماً درصدد جلب رضای خداوند و حرکت در مسیر وصال او خواهند بود و با تحقق خوف و ترس از خشم و غضب او، دائماً درصدد حفظ حریم خداوند و پرهیز از اقدامات مغضوب او خواهند بود. در نتیجه، باتقواترین بندگان، عاشق‌ترین، امیدوارترین، مطیع‌ترین و در عین حال خائف‌ترین ایشان از خداوند هستند. آنان بیش از همه حریم الهی را حفظ کرده و از هر گونه حریم‌شکنی پرهیز می‌کنند. آیات ابتدایی سوره مبارکه بقره توصیف هم‌ایشان است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۹). این معنا از تقوا، بهترین و جامع‌ترین معنا و برداشت از تقوا است. زیرا شالوده تقوا ایمانی است که خود وابسته به معرفت به متعلق‌های ایمان است. با نبود چنین شناخت درستی از متعلق‌های ایمان، اساساً ایمان راستین و درستی شکل نخواهد گرفت. و بالاخره، سرّ تأکید رسول خدا و اهل‌بیت علیهم‌السلام بر شناخت و معرفت نسبت به خداوند و اسماء و صفات الهی و نسبت به دیگر متعلق‌های ایمان نیز همین است. و این نمی‌شود جز با تعهد و پایبندی به همین راهبرد تربیتی قرآنی. تأکید به این امر مهم و دخالت دادن آن در فرایند تربیت و هدایت انسان به‌طور عام و تربیت فرزند به‌طور ویژه و خاص، نیز به همین دلیل است.

۴. راهکارهای حفظ و تقویت ایمان

قرآن کریم به‌عنوان یک کتاب انسان‌ساز، در راستای این راهبرد تربیتی، در جهت حفظ ایمان و تقوای بندگان خدا برنامه‌های تربیتی متنوعی تدارک دیده است. از جمله آن برنامه‌ها تدارک راهکارهایی عملی در همین جهت می‌باشد. البته بررسی این راهکارها و شیوه‌های تربیتی از اهداف این نوشتار نیست، در عین حال به مواردی از آن فقط اشاره می‌شود.

۱. توصیه‌های قرآن به تفکر و تأمل در آیات الهی (آل‌عمران، ۱۹۱-۱۹۰؛ بقره، ۲۶۹ و...)، و در مقابل، مذمت و نکوهش جاهلان و اهل شک، ظن و گمان (ص، ۲۷؛ هود، ۲۰؛ اعراف، ۱۳۸؛ آل‌عمران، ۷ و...)، به هدف تشویق و تشجیع بندگان خدا به سوی معرفت‌افزایی و رهایی از نادانی و گرفتار نشدن در شک، تردید و گمان‌های باطل.

۲. بیان احکام فقهی و حقوقی (در ضمن آیات الاحکام مانند: نماز (بقره، ۴۳؛ هود، ۱۱۴؛ اسراء، ۷۹-۷۸)، روزه (بقره، ۱۸۷-۱۸۳-۴۵)، جهاد (حج، ۸۷؛ ممتحنه، ۱؛ توبه، ۲۴؛ فرقان، ۵۲)، معاملات (بقره، ۲۸۲-۲۷۵)، و... و توجه دادن به عمل به احکام الهی به هدف تزکیه و تطهیر نفوس و قوام زندگی دنیوی و تأمین سعادت اخروی.
۳. توصیه و ترویج صفات و خصال نیک اخلاقی مانند: احسان و انفاق (نحل، ۹۰؛ الرحمن، ۶۰؛ بقره، ۱۹۵؛ آل عمران، ۳۴؛ مائده، ۱۳)، ایثار (حشر، ۹؛ انسان، ۱۰-۶)، عفو و گذشت (بقره، ۲۱۹؛ اعراف، ۱۹۹؛ مائده، ۱۳)، تقوا (بقره، ۱۷۷؛ رعد، ۳۵؛ انفال، ۳۴؛ فرقان، ۱۵؛ آل عمران، ۷۶)، ترک هوی (نساء، ۱۳۵؛ ص، ۲۶؛ نازعات، ۴۰) و... و در مقابل، مذمت و نهی از رذایل اخلاقی، مانند: غیبت (حجرات، ۱۲)، تهمت و افترا (نور، ۱۶-۴)، زنا (نور، ۳-۲)، کذب (آل عمران، ۱۳۷؛ انعام، ۱۱؛ نحل، ۳۶؛ طور، ۱۱؛ مرسلات، ۴۹-۱۵)، تمسخر و استهزاء (انعام، ۱۰؛ توبه، ۶۴؛ حجرات، ۱۱؛ بقره، ۲۱۲)، و به ویژه غفلت (اعراف، ۱۷۹-۱۳۶؛ یس، ۶؛ روم، ۷) و...
۴. بیان دستورالعمل‌های تربیتی و اخلاقی (بقره، ۱۷۷؛ لقمان، ۱۲؛ حجرات، ۱۱-۱۲؛ لقمان، ۱۹-۱۳؛ خرف، ۶۳؛ صف، ۶؛ مائده، ۱۱۶-۱۱۲)، و...
۵. بیان قصص حکمت‌آمیز از زندگی خوبان و صالحان (بقره، ۵-۲؛ فرقان، ۶۳-۷۶؛ کهف، ۲۲-۹ و ۸۲-۶۰ و ۹۸-۸۳ و منحرفان و اشقیاء مانند: نمرود (انبیاء، ۷۰-۵۹)، فرعون (اعراف، ۱۳۶-۱۰۳)، قارون (قصص، ۸۳-۷۶) و... خلاصه آنکه، ایمان و تقوا حاصل فرایند تربیت است، تربیت بعد شناختی، تا خداوند و اسماء و صفات او را به خوبی بشناسد، و تربیت بعد گرایشی، تا به آنچه شناخته ایمان آورده، تربیت بعد کنشی، تا در عمل به آن پایبند باشد. یعنی انسان تربیت یافته مسلمان چونان یک محب و عاشق در مسیری گام برمی‌دارد که در جهت خواست و رضایت الهی است. این همان تقوای سرچشمه گرفته از ایمان به مبدا و معاد و مورد نظر قرآن است که در ابتدای سوره بقره و جای جای قرآن به آن اشاره کرده است.
- از نگاه قرآن، بر ایند یک فرایند صحیح تربیتی انسان مرزی از بندگی است که بگوید: فقط خدا و بس: «قُلِ اللَّهُ ثُمَّ دَرَّهُمْ»، (انعام، ۹۱) و غیر خدا را رها سازد، و همه حب و بغض‌ها و دل‌مشغولی‌های دیگر نیز باید در همین راستا باشد. در غیر این صورت نه تنها بی‌ارزش، بلکه حتی ضد ارزش و مانع رشد انسان خواهد بود: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ»، (توبه، ۲۴).
- زیرا یک انسان مؤمن موحد خداوند را منشأ همه هستی و حقایق عالم و بازگشت همه عالم را نیز به سوی او می‌داند: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، ۱۵۶). از جمله مهمترین مصادیق این موحدان راستین و تربیت یافته مکتب انبیاء حضرت مریم و حضرت آسیه می‌باشند که قرآن هر دو را به‌عنوان نمونه‌ای برای همه مؤمنان معرفی کرده است (تحریم، ۱۲-۱۱). و این جز با تحقق راهبرد تربیتی قرآن محقق نمی‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

۱. از مهمترین و اصلی‌ترین شاخصه‌ها و وجوه امتیاز تعلیم و تربیت اسلامی و قرآنی همین راهبرد تربیتی است. سرّ افضلیت و برتری علم خداشناسی و توحید بر دیگر معارف، که در مباحث پیشین بیان شد، همین تأثیر تربیتی است و فلسفه کاربرد روش‌های تربیتی انذار و بشارت در قرآن و بیانات رسول خدا ﷺ و اهل بیت (علیهم‌السلام)، نیز تشجیع و تحریص افراد به سوی صراط مستقیم در راستای تحقق هدف اعلای تربیت اسلامی و قرآنی، یعنی باریافتن به کمال و قرب الهی است. اگر این بسترهای شناختی و معرفتی مهیا نباشد، اندازها و بشارت‌ها بی‌اثر بوده و یا اساساً محقق نخواهد شد. آگاهی داشتن بندگان خداوند از الطاف الهی نسبت به ایشان و یادآوری نعمت‌هایی که خداوند به آنها ارزانی داشته است، باعث برافروخته شدن شعله‌های محبت و عشق نسبت به خداوند در بندگان خواهد شد.
۲. نتیجه توجه به این راهبرد تربیتی، در طی مسیر زندگی، انسان متقی و مؤمنی است که همیشه در مسیر صحیح و طریق مستقیم حق بوده و از هر انحرافی، حتی در بدترین شرایط مصون خواهد بود. تربیت انسان‌های والا در مکتب تربیتی اسلام و نمونه‌های قرآنی آن، محصول توجه و عمل به این رهبرد تربیتی بوده است. بی‌شک این راهبرد تربیتی می‌تواند اکسیری حیات‌بخش در مسیر تربیت بشر در هر

عصری، به‌ویژه عصر حاضر باشد.

۳. تربیت دینی، به معنای التزام عملی به آموزه‌های دین است، و توجه به راهبرد تربیتی قرآن در همه ساحت‌های تربیتی، به‌ویژه تربیت دینی اجتناب‌ناپذیر است. برنامه‌ریزان و متریان، برای رسیدن به نتیجه مطلوب ناگزیر از این راهبرد می‌باشند.

۴. نتیجه توجه به این راهبرد تربیتی، در طی مسیر زندگی، انسان‌های متقی و مؤمنی است که همیشه در مسیر صحیح و طریق مستقیم حق بوده و از هر انحرافی مصون خواهند بود. تربیت انسان‌های والا در مکتب تربیتی اسلام محصول توجه و عمل به این راهبرد تربیتی قرآنی بوده است.

۵. توجه به دو عنصر هدفمندی و نیز ایجاد انگیزه از طریق امیال و عواطف و هیجانات، در کنار بعد شناختی، در فرایند تربیت بسیار لازم و ضروری است. اساساً تحقق یادگیری عمیق صرفاً در این صورت ممکن خواهد شد.

۶. معارفی که در حوزه‌های مختلف معارفی و به‌گونه‌های متنوع در متون دینی، به‌ویژه قرآن، آمده است، به دلیل وحیانی بودن با استحکام بالا و البته ساده و در نتیجه برای مخاطب خوش‌فهم، هستند. بر این اساس، ارائه شناخت‌ها و آگاهی‌ها، در حوزه‌های مختلف دانشی، هم از بعد محتوی و هم روش، باید در عین تنوع، با استحکام بالا و البته ساده و خوش‌فهم، باشند.

منابع

* قرآن کریم

۱. ابن فارس، ابوالحسن احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقائیس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار الفکر.
۳. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۱ش). فقه تربیتی، جلد اول مبانی و پیش فرض ها. تحقیق و نگرش: سید نقی موسوی. قم: موسسه اشراق.
۴. باقری، خسرو (۱۳۸۹ش). الگوی مطلوب آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی. تهران: مدرسه.
۵. باقری، خسرو (۱۳۸۹ش). درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی. تهران: علمی فرهنگی.
۶. باقری، خسرو (۱۳۸۵ش). نگاهی دو باره به تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: مدرسه.
۷. حرانی، ابن شعبه حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). تحف العقول. قم: موسسه نشر اسلامی.
۸. داودی، محمد (۱۳۸۳ش). سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، جلد دوم تربیت دینی. زیر نظر علیرضا اعرافی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. داودی محمد، نقش معلم در تربیت دینی، زیر نظر علیرضا اعرافی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳ش.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
۱۱. سیف، علی اکبر (۱۳۹۱ش). روان شناسی تربیتی. تهران: دانشگاه پیام نور.
۱۲. شاه آبادی، آیه الله میرزا محمد علی (۱۳۸۷ش). حدیث عشق و فطرت، مجموعه مقالات در باره آراء حکمی معرفتی آیه الله العظمی محمد علی شاه آبادی رحمته الله علیه. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۳. شاه آبادی، آیه الله میرزا محمد علی (۱۳۸۶ش). رشحات البحار. تصحیح، تحقیق و ترجمه: زاهد ویسی، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۴. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغة (للصبحی صالح). قم.
۱۵. شعیری، محمد بن محمد (بی تا). جامع الأخبار (لشعیری). نجف.
۱۶. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۳۷۶ش). الأمالی (للسدوق). تهران.
۱۷. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ش). المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۲۰، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴ش). ترجمه تفسیر المیزان. ج ۲۰، قم: جامعه مدرسین.
۱۹. طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.
۲۰. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق). الأمالی (للطوسی). قم.
۲۱. غفاریان، وفا (۱۳۸۰ش). استراتژی اثربخش. تهران: فوا.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران.
۲۳. گروهی از نویسندگان (۱۳۹۰ش). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. زیر نظر آیه الله مصباح یزدی رحمته الله علیه. تهران: مدرسه.
۲۴. مصباح یزدی رحمته الله علیه، محمد تقی (۱۳۹۲ش). اخلاق در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۵. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۴۰۱ش). موانع پرواز. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۶. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۷. مطهری، شهید آیه الله مرتضی (۱۳۶۳ش). ده گفتار. قم: جامعه مدرسین.
۲۸. منسوب به جعفر بن محمد (۱۴۰۰ق). مصباح الشریعة. بیروت.
۲۹. منسوب به علی بن موسی (۱۴۰۶ق). الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا. مشهد: المؤتمر العالمی للإمام الرضا.
۳۰. نقیب زاده، میر عبدالحسین (۱۳۷۹ش). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. تهران: طهوری.

پی نوشت

i. Strategy.

ii. عن أبي حمزة قال: قال لي أبو جعفر ع إنما يعبد الله من يعرف الله فأما من لا يعرف الله فأينما يعبد الله هكذا صلاحاً قلت جعلت فداك فما معرفة الله قال تصديق الله عز وجل وتصديق رسوله ص وموالاة علي ع وبالإيمان به وبأئمة الهدى عليهم السلام والبراءة إلى الله عز وجل من عدوهم هكذا يعرف الله عز وجل. (كلبيني، محمد بن يعقوب، الكافي (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ١٤٠٧ ق. ج: ١؛ ص ١٨٠ و واعلم أن أفضل الفرائض بعد معرفة الله عز وجل الصلوات الخمس. (منسوب به علي بن موسى، امام هشتم الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، مشهد، چاپ: اول، ١٤٠٦ ق. ص ١٠٠).

iii. عن ابن أذينة قال حدثنا غير واحد عن أحدهما ع أنه قال: لا يكون العبد مؤمناً حتى يعرف الله ورسوله وأئمة كلهم وإمام زمانه ويرد إليه ويسلم له ثم قال كيف يعرف الآخر وهو يجهل الأول. (كلبيني، محمد بن يعقوب، الكافي (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ١٤٠٧ ق. ج: ١؛ ص ١٨٠).

iv. عن أبي عبد الله ع قال: لو يعلم الناس ما في فضل معرفة الله عز وجل ما مدوا أعينهم إلى ما منع الله به الأعداء من زهرة الحياة الدنيا ونعيمها وكانت دُنياهم أقل عندهم مما يطلونه بأرجلهم ولعمرو بمعرفة الله جل وعز وتلدوا بها تلذد من لم يزل في روضات الجنان مع أولياء الله إن معرفة الله عز وجل أنس من كل خشية وصاحب من كل وحدة ونور من كل ظلمة وقوة من كل ضعف وشفاء من كل شئ ثم قال ع وقد كان قبلكم قوم يقتلون ويحرقون ويُسرون بالمناشير وتصيب عليهم الأرض برُحبيها فما يردُّهم عما هم عليه شيء مما هم فيه من غير ترة وتروا من فعل ذلك بهم ولا أدى بل «ما تقموا منهم إلا أن يؤمنوا بالله العزيز الحميد.» (بروج/٨) فاشأوا ربكم درجانهم وصبوا على نواب ذرهم تدرگوا سعيهم. (كلبيني، محمد بن يعقوب، الكافي (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ١٤٠٧ ق. ج: ٨؛ ص ٢٤٧ و شعيري، محمد بن محمد، جامع الأخبار (لشعيري)، نجف، چاپ: اول، بی تا. ص ٥٠).

v. آه من نار تضيخ الأحياد والكلبي آه من نار نزاعة للسوى، آه من غمرة من ملهبات لظى قال ثم انعمت في البكاء فلم أسمع له حساً ولا حركة فقلت غلب عليه النوم لطول السهر أوقفه لصلوة الفجر قال أبو الدرداء فأتيته فإذا هو كالحشبة الملقاة فحركته فلم يتحرك ورويته فلم يترو فقلت إنا لله وإنا إليه راجعون مات والله علي بن أبي طالب عليه السلام قال فأتيت منزله متبادراً أعاه إليهم فقالت فاطمة عليها السلام يا أبا الدرداء ما كان من شأنه ومن قصته فأخبرتها الخبر فقالت هي والله يا أبا الدرداء العشيبة التي تأخذ من حشبة الله ثم أتوه بماء فتصحوه على وجهه فأفاق ونظر إلي وأنا أبكي فقال مما بكأوك يا أبا الدرداء فقلت مما أراه تزلزلت نفسي فقال يا أبا الدرداء و لؤ رأيتني ودعي بي إلى الحساب وأيقن أهل الجرائم بالعذاب واحتوشني ملائكة غلاظ و زبانية فظاظ فوقف بين يدي الملك الجبار وقد أسلمني الأحياء و رحمني أهل الدنيا لكنت أشد رحمة لي بين يدي من لا تحفى عليه حافية فقال أبو الدرداء هو الله ما رأيت ذلك لأحد من أصحاب رسول الله ص. (ابن بابويه، محمد بن علي، الأمالي (للصدوق) - تهران، چاپ: ششم، ١٣٧٦ ش. ص ٧٩).

vi. ابن مضمين كه در قرآن مكرآمده است، فوق العاده قابل تأمل است: فإينما هي زجرة واحدة فإذا هم بالساهرة (نازعات/١٤-١٣)، فإذا نفع في الصور نفخة واحدة، وحملت الأرض والجبال فدكتا دكة واحدة، فيؤمئذ وقعت الواقعة، وانشقت السماء فهي يومئذ واهية (الحاقة/١٦-١٣)، يوم يسمعون الصيحة بالحق ذلك يوم الخروج (مدر/٩-٨)، فإذا جاءت الصاخة، يوم يفر المرء من أخيه، وأمه وأبيه، وصاحبته وبنيه، لكل امرئ منهم يومئذ شأن يغنيه، وجوه يومئذ مسفرة ضاحكة مستبشرة و وجوه يومئذ عليها غبرة، ترهقها قفرة، أولئك هم الكفرة الفجرة (عبس/٤٢-٣٣)، ما الفارعة، ما الفارعة، وما أدراك ما الفارعة، يوم يكون الناس كالفراش المبثوث، وتكون الجبال كالعهن المنفوش فأما من ثقلت موازينه، فهو في عيشة راضية، وأما من خفت موازينه، فأمه هاوية، وما أدراك ما هية، ناز حامية (الفارعة/١١-١)، فإينما هي زجرة واحدة فإذا هم ينظرون (صافات/١٩)، و...

vii. عن أبي بصير قال: سألت أبا عبد الله ع عن قول الله عز وجل «انصوا لله حتى تقاته» (آل عمران/١٠٢)، فقال يطاع فلا يعصى ويذكر فلا ينسى ويُسكَّر فلا يكفر. (ابن شعبه حراني، حسن بن علي، تحف العقول - قم، چاپ: دوم، ١٤٠٤ / ١٣٦٣ ق. ص ٣٦٢)

viii. قال الصادق عليه السلام اتق الله وكن حيث شئت ومن أي قوم شئت فإنه لا خلاف لأحد في التقوى والتقوى محبوب عند كل قريب وفيه اجتماع كل خير ورشد وهو ميزان كل علم وحكمة وأساس كل طاعة مقبولة والتقوى ماء ينبجز من عين المعرفة بالله تعالى (منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم، مصباح الشريعة - بيروت، چاپ: اول، ١٤٠٠ ق. ص ٥٩).

ix. لو لا الأجل الذي كتب الله [لهم] عليهم لم تستقر أرواحهم في أجسادهم طرفة عين شوقاً إلى التواب وخوفاً من العقاب عظم الخالق في أنفسهم فصغر ما دونه في أعينهم فهم والجنة كمن قد رآها فهم فيها منعمون وهم والنار كمن قد رآها فهم فيها معدبون فلوهم محزونة وشروهم مأثونة (شريف الرضي، محمد بن حسين، نهج البلاغة (للصبيحي صالح) - قم، چاپ: اول، ١٤١٤ ق. ص ٣٠٣).

x. همان.

xi. عن علي بن أبي طالب، عن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: أوحى الله (عز وجل) إلى نبي موسى بن عمران (عليه السلام): يا موسى أحببني وحببني إلى خلقي. قال: يا رب إني أحبك، فكيف أحببك إلى خلقتك قال: ادخر لهم نعماتي عليهم، وبلاني عندهم، فأنتهم لا يدركون إذ لا يعرفون مني إلا كل خير. (طوسي، محمد بن الحسن، الأمالي (للطوسي) - قم، چاپ: اول، ١٤١٤ ق. ص ٤٨٤).